

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی
گروه ادیان و عرفان

پایان نامه ی مقطع کارشناسی ارشد
رشته ی ادیان و عرفان

بررسی مقایسه ای اندیشه های لائوتزو و سهراب سپهری

استاد راهنما:

دکتر محمد مشهدی نوش آبادی

استاد مشاور:

دکتر مظاهر احمدتوبی

پژوهشگر:

سپیده محمودی

تابستان ۱۳۹۳

تبریز/ ایران

تقدیم

* به لطف خداوند حکیم و متعال، که اوست داننده و دانای مطلق، این پایان نامه را در کمال عشق و ارادت تقدیم می‌دارم به پیشگاه نورانی و مقدس آقا امام عصر (عج)، که با آمدنش غبار از چشمان بی معرفت غرض ورزان زدوده می‌گردد و سیاهی ناب و اصیل عدالت، برابری، کفالت انسانی و اخلاقی، و به خصوص معنویت بر قلب حقیر این بشر خاکئی آشکار شده و به این طریق عطا، شناختی مطلوب به انسان دست می‌دهد از باب شناخته‌ناونده‌ت.

* و اما بعد، در سایه سار مهر و رز و سرشار از حکمت خداوند زیبا، این تحقیق بی‌مدعا از سرانخلاص و اشتیاق تقدیم می‌گردد به ساحت متعالی و مخلصانه‌ی خانواده‌ی زلال و کرامت‌دارم، به خصوص دست‌های سخاوتمند و دل‌بزرگوار پدر شایسته و عزیزم و چشم‌های عاشق‌پیشه و سینه‌ی مستجابی مادر محبوب و نازنینم که با واژه‌هایی هر چند ساده و اما بسیار نفوذ بزرگ از اوان کودکی مرا در شناخت، سستی و دنیای پیرامون خود بسی هدایت و ارشاد نمودند تا به یمن این شناخت، خدا و خویشین خود را و جهان پیرامون خود را بهتر و مطلوب‌تر بشناسم و در راه حق و درستی کام بردارم. از بارگاه خداوند منان برای این دو عزیز زندگی ام بخت‌هایی به طراوت باران و به دست دیبا‌ها و به خیر و برکت معدن معرفت همراه با سر بلندی و سلامتی روز افزون خواهانم.

* و نیز این پایان نامه در پاسداشت مقام علمی عالمان، فضلا، عظام، فهما و جمیع دانشمندی که برای نیل آدمی به عرفان حقیقی و مطلوب مجاهدانه و جردانه تلاش می‌کنند، به حضور کرمان گسب ایشان تقدیم می‌گردد، باشد که نفس‌های عالمانه‌ی این چراغ‌های روشن دانی ایرانی زمین و کل بلاد انسانی همواره صفا بخش مجالس معنوی علم ناب و عرفان الهی گردد، ان شاء الله!

شکر و قدردانی

الهی! چون توانستم ندانستم، و چون دانستم نتوانستم،

آه از این علم ناآموخته، گاه در غرقم از او گاه سوخته! (خواجہ عبدالسدق انصاری)

* باری، و سپاس و شکر و شمای بی پایان مر خداوند حکیم و دانای مطلق را که تنها اوست علم اول و آخر و تنها اوست سرمنزل و مبدأ و مقصد عرفان غایی، که بندگانی چو مراد طریق شناخت که و ذاتش و نیز در مسیر کسب معرفت از جهت خویشتن خویش و هستی و پدیده های اطراف خویش به وجی متین و وزین و کامل هدایت می نماید. آری، پاس بی مرز و بی کران از آن خداوند منان که مریاری داد تا این تحقیق را در وادی طلب و معرفت بی دغدغه به انجام رسانم و ره توشه ای هر چند اندک در باب تطبیق دو نمود فکری و عرفانی ناب دو فرسنگ متفاوت بردارم.

* بچنین، شایسته و بیایسته است که قدردان صوری های مثال زدنی تک تک اعضای خانواده ی با وفا و مهربانم باشم که زحمت های تمام نشدنی این فرزند کوچکشان را به جان و دل پذیرا شدند و عاشقانه به او عنایت و مرحمت نمودند تا در دوران تحصیل در دانشگاه، به ویژه در فرایند به سرانجام رساندن این پایان نامه در فضایی آکنده از مهر و امید و رجاء کام بردارد.

* از تمامی اساتید فریخته و متمهد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان که حضور من و امثال مراد دانشگاه متحمل شدند و ما را در کمال خردورزی تعلیم عرفان حقیقی و مطلوب دادند تا در بهترین شرایط علمی و آموزشی از دریای موج دانش و عرفان قطره هایی نوش کنیم، شکر می نمایم. در این راستا، از دو استاد دانشمند آقایان دکتر محمد شمدی نوش آبادی و دکتر مظفر احمد توبی قدردانی ویژه به عمل می آورم، که در انجام این تحقیق باریگری ها و راهنمایی های صادقانه ی ایشان به شکلی مطلوب شامل حال شد.

* و نیز از سایر کسانی که مراد انجام این پایان نامه حمایت و کمک نمودند، شکر و قدردانی کرده و از بارگاه خداوند مهربان برای یکی آنان قشنگ ترین و بهترین آرزوها را خواهانم.

سپیده محمودی

مهریک خزار و یسعد و نودوسه

تبریز / ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	چکیده
۱	مقدمه

فصل اول: کلیات

۴	۱-۱. بیان مسأله
۵	۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	۳-۱. اهداف پژوهش
۶	۴-۱. سؤال های تحقیق
۶	۵-۱. پیشینه ی نظری و تجربی

فصل دوم: دائوئیسم

۸	مقدمه ی بحث
۹	۱-۲. مفهوم شناسی دائوئیسم و مبانی آن
۱۱	۲-۲. پیدایش و ماهیت مکتب دائوئیسم
۱۴	۳-۲. لائو تزو
۱۹	۴-۲. چوانگ تزو
۲۱	۵-۲. یانگ چو
۲۲	۶-۲. کتاب های دائوئیسم
۲۳	۱-۶-۲. دائو د چینگ
۲۷	۲-۶-۲. چوانگ تزو
۲۹	۳-۶-۲. یی چینگ
۳۰	۷-۲. دائو و د در اندیشه ی متداول
۳۴	۸-۲. ایده ی بین و یانگ
۳۶	۱-۸-۲. ایده ی وو - شینگ
۳۷	۹-۲. ایده ی وو - وی
۴۰	۱۰-۲. ایده ی بازگشت

فصل سوم: زندگی نامه ی سهراب سپهری

۴۳ مقدمه ی بحث
۴۴ ۱-۳. اجمالی از زندگی سپهری
۴۶ ۲-۳. خصوصیات اخلاقی و روحی سپهری
۵۲ ۳-۳. ویژگی های شعری سپهری
۵۸ ۴-۳. آثار سپهری
۵۸ ۱-۴-۳. دفتر اول، مرگ رنگ
۵۸ ۲-۴-۳. دفتر دوم، زندگی خواب ها
۵۹ ۳-۴-۳. دفتر سوم، آوار آفتاب
۶۰ ۴-۴-۳. دفتر چهارم، شرق اندوه
۶۰ ۵-۴-۳. دفتر پنجم، صدای پای آب
۶۱ ۶-۴-۳. دفتر ششم، مسافر
۶۲ ۷-۴-۳. دفتر هفتم، حجم سبز
۶۲ ۸-۴-۳. دفتر هشتم، ما هیچ، ما نگاه
۶۳ ۹-۴-۳. اطاق آبی

فصل چهارم: تأثیر مکاتب عرفانی شرق بر شعر سهراب سپهری

۶۵ مقدمه ی بحث
۶۶ ۱-۴. روند تکوین تأثیرپذیری سپهری از مکاتب شرقی
۶۷ ۱-۱-۴. تأثیر از هند
۶۹ ۱-۱-۴. خلاصه ی بحث
۷۰ ۲-۱-۴. تأثیر از بودا
۷۳ ۱-۲-۱-۴. خلاصه ی بحث
۷۴ ۳-۱-۴. تأثیر از خاور دور
۷۶ ۱-۳-۱-۴. خلاصه ی بحث
۷۸ ۴-۱-۴. تأثیر از دائوئیسم
۸۰ ۱-۴-۱-۴. خلاصه ی بحث
۸۱ ۲-۴. ابعاد کلی تأثیر مکتب شرق بر سپهری
۸۳ ۳-۴. استنباط کلی از تأثیرپذیری سپهری از مکاتب عرفانی شرق

فصل پنجم: بررسی تطبیقی افکار لائو تزو و سهراب سپهری

۸۵ مقدمه ی بحث
۸۶ ۱-۵. مهم ترین وجوه اشتراک و افتراق بین لائو تزو و سپهری
۸۶ ۱-۱-۵. وحدت وجود
۹۲ ۱-۱-۱-۵. خلاصه ی بحث
۹۳ ۲-۱-۵. فراسوی نیک و بد
۱۰۰ ۱-۲-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۰۱ ۳-۱-۵. عدم شهود محض
۱۰۵ ۱-۳-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۰۶ ۴-۱-۵. خودبیگانگی
۱۰۶ ۴-۱-۵. نگاه به درون
۱۱۲ ۲-۴-۱-۵. حجاب علم و ذهن
۱۱۸ ۱-۴-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۱۸ ۵-۱-۵. مشیت
۱۲۶ ۱-۵-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۲۸ ۶-۱-۵. ابن الوقت
۱۳۳ ۱-۶-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۳۴ ۷-۱-۵. عشق
۱۳۷ ۱-۷-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۳۸ ۸-۱-۵. انسان کامل
۱۴۲ ۱-۸-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۴۴ ۹-۱-۵. سرشت کودکانه
۱۴۸ ۱-۹-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۴۹ ۱۰-۱-۵. عدم تظاهر
۱۴۹ ۱-۱۰-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۵۰ ۱۱-۱-۵. سادگی
۱۵۱ ۱-۱۱-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۵۲ ۱۲-۱-۵. همسانی زندگی و مرگ
۱۵۵ ۱-۱۲-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۵۶ ۱۳-۱-۵. آرمانشهر
۱۵۸ ۱-۱۳-۱-۵. خلاصه ی بحث
۱۵۹ ۱۴-۱-۵. سفر(سیر آفاقی)

۱۶۰ خلاصه ی بحث ۱-۱۴-۱-۵
۱۶۰ تبدل ۱۵-۱-۵
۱۶۲ خلاصه ی بحث ۱-۱۵-۱-۵
۱۶۳ جمع بندی
۱۶۳ جمع بندی در خصوص سؤال اول
۱۶۵ جمع بندی در خصوص سؤال دوم
۱۶۸ بحث و نتیجه گیری
۱۷۰ محدودیت ها

فهرست منابع

۱۷۲ منابع فارسی
۱۷۴ منابع انگلیسی
Abstract

چکیده

این تحقیق به منظور مقایسه‌ی اندیشه‌های لائو تزو و سهراب سپهری انجام گرفته است. بررسی گرایش سپهری به شرق و تأثیرپذیری وی از لائو تزو، و تبیین نقاط اشتراک و افتراق افکار آنان اهداف محوری تحقیق بود. روش انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی از نوع تطبیقی مبتنی بر فیش برداری کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان داد، هر چند سپهری در آثارش از مکتب شرق، به خصوص دائوئیسم تأثیرات عمده‌ای گرفته، اما عرفان او منطبق با این مکاتب و حتی مکتب اسلامی نبوده، بلکه نوعی عرفان و تجربه‌ی شخصی متأثر از مطالعات کتاب‌های عرفان شرق است. مهم‌ترین وجوه اشتراک و افتراق سپهری و لائو تزو عبارتند از: وحدت وجود، فراسوی نیک و بد، عدم شهود محض، خودبیگانگی، نگاه به درون، حجاب علم و ذهن، مشیت، ابن الوقت، عشق، انسان کامل، سرشت کودکانه، عدم تظاهر، سادگی، همسانی زندگی و مرگ، آرمانشهر، سفر (سیر آفاقی)، تبدل.

سپهری و لائو تزو معتقدند، منشأ همه چیز خداست و می‌توان از طریق وحدت در کثرات و هستی به خدا رسید. نیک و بد یا خوب و زشت برای آنها مطرح نیست. معتقدند که، شناخت حقیقت مطلق و وصال کامل ناممکن است. مشکل آن دو در نیل به مفهومی واحد از حقیقت امور و اشیاء، عدم شناخت حقیقی انسان نسبت به واقعیت وجودی خود است، که منجر به جدایی انسان از واقعیات و دور شدن از ذات وجودش می‌شود. نفس را مانع بزرگی بر سر راه سالک می‌دانند. به نظر آن دو، دانش و تفکر باعث غرور انسان و جدایی او از حقیقت یگانه می‌شود. مشیت را، سکوت در برابر خواست الهی برای رسیدن به سعادت تعبیر می‌کنند. و عقیده دارند، انسان باید در لحظه لذت زندگی را دریابد و آمادگی دریافت حضور خدا را در خود فراهم کند. به نظر سپهری مراد از عشق، حقیقت راستین است که مرشد و راهنمای انسان به سوی حقیقت یگانه است، اما، لائو تزو عشق و محبت را سرمشق خود، تنها برای رسیدن به کمالات انسانی قرار می‌دهد. لائو تزو انسان کامل را تجلی انسانی حق می‌داند که با محو تمام تعلقات دنیوی به ساحت مقدس الهی وارد شده و به غایت وجودی و وحدت ازلی اش می‌رسد. سپهری در قالب یک انسان کامل ظاهر می‌شود و او را فرزانه‌ای می‌یابیم که وجودش مملو از عشق به حقیقت یگانه است و برای یافتن وصال نیل به خوشبختی و سعادت نهایی وجودش را به درون متمرکز می‌کند. شعار آنها این است که، انسان باید پاک، صداقت و صافی کودکانه را در خودش حفظ کند.

مهم‌ترین ویژگی هر دو، عدم خودنمایی و سادگی است. مقصود هر دو از مرگ، مرگ جسمانی است و آن را مکمل زندگی و وجود انسان می‌دانند. در نظر آنها، شهر آرمانی ساده و دور از تکنولوژی و سرشار از معرفت الهی است و ساکنانش انسان

هایی حقیقی و کاملند که به خودشناسی واقعی رسیده اند. آنها، عزلت را عدم وابستگی به تعلقات دنیا دانسته و از درون حقیقت را جستجو کردند. لائو تزو کاملاً از دنیا کناره گرفت، اما سپهری هرگز. سیر لائو تزو انفسی، و سیر سپهری انفسی - آفاقی بود. و معتقدند، هر چیزی این قابلیت را دارد که به امر مقابل خود باز گردد و به آن تبدیل شود.

واژگان کلیدی: سهراب سپهری، لائو تزو، اندیشه ها، هشت کتاب، دائو دِ جینگ

مقدمه

بحث عرفان و گرایش انسان به شناخت دنیای پیرامون خود و پدیده های موجود در این دنیای ملون همواره یکی از بحث های اساسی، مهم و در عین حال جذاب بین اندیشه وران و صاحب نظران حوزه ی فلسفه و عرفان بوده است. در این میان، بی گمان ادبا و اهل هنر معرفتی منحصر به فرد در قیاس با سایر طبقات انسانی نسبت به کون و مکان هستی دارند، به طوری که با بررسی و تبیین دیدگاه ها و افکار و عقاید آنان می توان به برداشت های درخور تأملی در ارتباط با مقوله هایی چون خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی رسید. حال، اگر افکار و عقاید اینان قرین به عرفان درست و اصولی باشد و راه درست برای کسب معرفت مطلوب در طریق کمال پیش روی آدمی گذاشته شود، نور علی النور می شود. به عبارتی، اهل هنر به واسطه ی نگرش حساس و نکته بین خود نسبت به امور و به یمن شناخت مطلوب و درستی که در این زمینه به دست آورده اند، می توانند به بقیه در یافتن عرفان حقیقی و راست کمک شایانی نمایند و آن ها را از کشیده شدن به سمت عرفان های کاذب رهایی بخشند. زمانی نیز می توان در یافتن عرفان حقیقی موفق بود که درصدد مقایسه ی افکار و عقاید عرفا با یکدیگر برآییم.

با عنایت به مطالب بالا، به نظر می رسد که عرفان حقیقی تنها درسایه ی توجه به امور معنوی و کمالات انسانی و ارزشی به دست می آید و لاغیر! لذا، چنین می نماید که از بین این همه مکاتب عرفانی که در تلاش برای یافتن مفاهیم هویتی و ماهیتی ابعاد فلسفی امور هستند، مکاتبی موفق هستند که معتقد به اصل توحید و یکانگی خداوند بوده و ضوابطشان برگرفته از ادیان الهی باشد. بنابراین، مشخص است که آموزه های ناب دین متعالی اسلام بر تمام ادیان و مکاتب عرفانی و فلسفی برتری مطلق دارد و به واسطه ی این آموزه ها آدمی در نیل به عرفان حقیقی و مطلوب، به خصوص از لحاظ مواردی چون خداشناسی، انسان کامل، آرمانشهر، کمالات اخلاقی و انسانی، مرگ و زندگی و امثالهم سربلند خواهد شد.

با توجه به مطالب فوق، چنین برمی آید که خاستگاه عرفان و علاقه و اشتیاق شدید انسان به شناخت خدا و خود و جهان اطراف خود، در ممالک شرقی بیش از دیگر ممالک ریشه دارد، چرا که انسان شرقی بیش از انسان غربی به عرفان و امور معنوی علاقه و حساسیت دارد و بنابراین می بینیم که مکاتب عرفانی شرق تا آن جا که می توانند نوع انسانی را به سمت زندگی سرشار از معنویت هدایت و تشویق می کنند. از طرفی، مسلمان جوامع شرقی نیز بیش از ممالک دیگر است. در هر حال، به طور کلی باید گفت جلوه های عرفانی جوامع انسانی را می توان به خوبی و به زیبایی در آثار اهل هنر و ادب یافت، که یکی از این مصادیق کلیدی، عرصه ی شعر می باشد.

با این وصف، در تحقیق حاضر به مقایسه ی اندیشه ها و عقاید دو تن از شاعران صاحب سبک و در عین حال عارف مسلک شرقی یعنی سهراب سپهری و لائو تزو¹ پرداخته می شود، تا هم دیدگاه های مردمان دو کشور ایران و چین - که مشترکات فرهنگی و تاریخی فراوانی با همدیگر دارند - در باب عرفان و راه های درست معرفت نسبت به خداوند و جهان و انسان تبیین و نکات اشتراک و تفاوت این دو شاعر باذوق و عارف شناسایی شود، و هم میزان تأثیرپذیری سهراب سپهری از لائو تزو و به طور کلی مکتب شرق معلوم گردد. همچنین، بسته به نوع دین و مذهب هر دو شاعر نیز بتوان دیدگاه کلی از آرای فلسفی و عرفانی یک شاعر مسلمان با یک شاعر غیرمسلمان نیز به دست داد.

لذا، مطالب این تحقیق در قالب پنج فصل تهیه و تنظیم شده است: فصل اول: کلیات بحث، فصل دوم: دائوئیسم، فصل سوم: زندگی نامه ی سهراب سپهری، فصل چهارم: تأثیر مکاتب عرفانی شرق بر شعر سهراب سپهری، فصل پنجم: بررسی تطبیقی افکار لائو تزو و سهراب سپهری. در پایان، به بحث و نتیجه گیری از مطالب ارائه شده در این تحقیق پرداخته و ضمن ارائه ی پیشنهادهای پژوهشی، به محدودیت های کار نیز اشاره شده است.

1 - lao Tzu

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

آیین دائو^۱، معرف صورت عرفانی فرهنگ چین است و به طور سنتی، به لائو تزو بازمی گردد. سند ادبی این مکتب، دائو دِ جینگ^۲ اثر عرفانی و فلسفی کهن چینی است، که معمولاً آن را به خود لائو تزو، بنیانگذار این مکتب نسبت می دهند. در خصوص مفهوم دائو، چنین گفته اند:

مفهوم دائو(طریق) اندیشه ی محوری در فلسفه ی چین است و در تفکر چینیان باستان به عنوان یک نکته ی بنیادی به شمار می رود. این فلسفه، در باب ماهیت انسان و جهان بحث می کند و ارتباط دائم و لاینفک آن ها را مورد تأکید قرار می دهد (Hansen, 2/184).

در این روند، هر یک از عناصر هستی چیزی از مطلقیت دائو کسب می کند که نیرو و فضیلت دِ نامیده می شود (یولان، ۱۳۵).

استدلال لائو تزو در دائو دِ جینگ بر این است که، مردم فضیلت(دِ) اصلی خود را از دست داده اند، چون راه درست زیستن را فراموش کرده اند. چنان که ژان شنسو به نقل از لائو تزو می گوید:

«انسان در آغاز شادمان بود، اما در نتیجه ی تغییراتی که جامعه به وجود آورد ناشاد شد، بهترین راه شادمانی فرو چیدن از تمدن تصنعی کنونی و زیستن در پیوند آرام با طبیعت است» (شنسو، ۱۱۰).

دعوت به سادگی، زیبا دیدن جهان، داشتن نگاه لطیف، آرامش، اجتناب از نزاع و درگیری، یکسان دیدن پدیده ها، نیکی بدون توقع پاداش و ... همه از تعلیمات لائو تزو در دائو دِ جینگ می باشد.

این نوع تفکر، در ایران و در سروده های سهراب سپهری بازتاب دارد. او خود از خاورمیانه است، اما نگاه و روحش تا خاور دور امتداد دارد. چنان که، برخی اندیشه ی وی را با بودیسم و هندوئیسم مقایسه کرده اند. هشت کتاب، مجموعه ی شعرهای برگزیده ی اوست که شامل هشت دفتر است و به نوعی بینش عرفانی وی را با گرایش به عالم درون نشان می دهد.

عرفان سپهری با علاقه ی وی به طبیعت آغاز می شود. این، فرصتی کافی برای سپهری بود تا راه خود را آغاز کند. عشق و علاقه ی او به گیاهان به عنوان بهترین مظاهر طبیعت، عشق به شب و روز و ... بازتاب همین عرفان است، او یک عارف با گرایش های شرقی است (عماد، ۲۶).

1 - Daoism
2 - Dao de Jing

در هشت کتاب، جهان بینی سپهری نسبت به هستی مثبت و خوشبینانه است و جهان را تجلی ذات مطلق می‌داند و عقیده دارد که برای شناخت کل هستی نگاه ناب لازم است. پذیرش هستی و پدیده‌های آن به همان صورتی که هستند و این که زشت و بد وجود ندارد، وی چیزهایی را که اکثریت مردم نامقبول می‌دانند زیبا می‌بیند. این دیدگاه، به همان تفکر دائو در نوشته های لائو تزو بازمی‌گردد:

«همه در جهان زیبایی را زیبا می‌شناسند و با این تصور دست به آفرینش زشتی می‌زنند. آن‌ها فضیلت فضائل را درک می‌کنند، آنگاه تصور رذیلت را به وجود می‌آورند. بودن و نبودن یکدیگر را می‌آفرینند» (Tzu, 1/2).

و سپهری در تأکید گفته‌ی وی بیان می‌کند: «من نمی‌دانم که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کبوتر زیباست، و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» (سپهری، هشت کتاب، صدای پای آب، ۲۵).
وجه تطبیق دیگری را می‌توان در بند زیر نشان داد:

«دائوی بزرگ همه جا جاری است، ممکن است به سمت چپ یا به سمت راست برود. همه چیز هستی خود را به او مدیون است، هیچ‌کس از اطاعت او سر نمی‌پیچد، وقتی کاری انجام می‌دهد ادعایی برای آن ندارد» (Tzu, 4/32).

و خدای سپهری نیز چنین خدایی است، خدایی در همین نزدیکی: «لای این شب بوها، پای آن کاج بلند، روی آگاهی آب، روی قانون گیاه» (سپهری، هشت کتاب، صدای پای آب، ۶).
این موارد از هشت کتاب و دائو دِ جینگ، نمونه‌ای از آن چیزی است که سعی داریم آن‌ها را با هم بسنجیم و نشانه‌هایی از تشابه و افتراق را در آن‌ها نشان دهیم.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

به دلیل اقبال عمومی به شعر سپهری در دوره‌ی معاصر، ضروری است که ریشه‌های اندیشه‌ی وی بررسی شود. یکی از زمینه‌های اندیشه‌ی وی را باید در دائو دِ جینگ جستجو کرد، تا برای علاقه‌مندان آثار سپهری مفید و تأثیرگذار باشد.

۱-۳- اهداف پژوهش

- ۱- بررسی گرایش سپهری به شرق و تأثیرپذیری وی از لائو تزو
- ۲- بیان نوع جهان بینی یا هستی‌شناسی هر دو متفکر

۳- بررسی نقاط اشتراک و افتراق اندیشه های سپهری و لائو تزو

۴-۱- سؤال های تحقیق

۱- آیا سپهری از لائو تزو تأثیر پذیرفته؟ در صورت تأثیرپذیری آن را بیش تر در چه مواردی می توان نشان داد؟

۲- نقاط اشتراک و افتراق مفاهیم عرفانی دائو دِ جینگ و هشت کتاب کدامند؟

۵-۱- پیشینه ی نظری و تجربی

با توجه به بررسی هایی که صورت گرفته، تا کنون در این موضوع هیچ پژوهشی انجام نشده و تنها به تأثیرگذاری اندیشه ی شرق بر افکار سپهری اکتفا شده و از آن فراتر نرفته است. از جمله ی این پژوهش ها می توان به آثار ذیل اشاره کرد :

۱ - حقوقی، محمد، شعر زمان ما(سهراب سپهری)، تهران : انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.

۲ - رسمی، سکینه، هم پیوندی درخت و اشراق و بازتاب آن در شعر سهراب سپهری، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، شماره ی ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

۳ - سیاهپوش، حمید، باغ تنهایی، تهران : انتشارات نگاه، ۱۳۷۶.

۴ - شریفیان، مهدی، بررسی سمبل های (سیب، کبوتر، گل سرخ و نیلوفر) در اشعار سهراب سپهری، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ی ۲۱، بهار ۱۳۸۶.

۵ - شمیسا، سیروس، نگاهی به سپهری، تهران : انتشارات مروارید، ۱۳۷۶.

۶ - عابدی، کامیار، از مصاحبت آفتاب، تهران : نشر ثالث، ۱۳۸۴.

۷ - میکائیلی، حسین، پیوند عرفان و رمانتیسم در شعر سپهری، مجله ی علمی پژوهشی، شماره ی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

۸ - واعظ زاده، عباس، تنهایی در برخی صوفیانه های شعر فارسی با رویکردی ویژه به شعر سهراب سپهری، مجله ی علمی پژوهشی، شماره ی ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

فصل دوم

دائوئیسیم

مقدمه ی بحث

در این فصل، به تبیین مفهوم و مبانی مکتب دائوئیسم و دیگر مقوله های مرتبط با آن پرداخته شده است. مقوله هایی که در ارتباط با دائوئیسم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند، عبارتند از: پیدایش و ماهیت دائوئیسم، مروری بر سبک زندگی و آرای فلسفی و عرفانی لائو تزو، واکاوی زندگی و آثار چوانگ تزو از بزرگ ترین دائوگرایان نخستین، مروری بر حسب حال و تفکرات یانگ جو، تشریح و نقد مهم ترین کتاب های دائوئیسم (دائو دِ جینگ منسوب به لائو تزو، چوانگ تزو، یی جینگ)، سیری در جایگاه دائو و دِ در اندیشه ی متداول، ایده ی بین و یانگ، ایده ی وو - شینگ، ایده ی وو - وی و ایده ی بازگشت.

۲-۱- مفهوم شناسی دائوئیسم و مبانی آن

در زمینه‌ی معنی و مفهوم واژه‌ی دائو و دیگر مقوله‌های مرتبط با آن از جمله، دائوئیسم، دائو جیا و دائو جیائو، صاحب‌نظران امر تعابیر مختلف و در عین حال، متعددی از آن ارائه داده‌اند. در این جا، به برخی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها اشاره می‌گردد:

کلمه‌ی دائوئیسم، به طور کلی مبین دو معنی است. اولی، یک دستگاه نظام فکری که مبادی دائو را مرکز کلیه‌ی افکار و اندیشه‌های عقلانی از زمان‌های کهن تا امروز قرار داده، دیگری، مخلوطی از عقاید و اوهام دینی و مبادی سحر و جادو که از عصر سلاله‌های خاقانی هان^۱ در طول چهار قرن در این کشور به ظهور رسیده. به هر دو معنی، مبدأ دائوئیسم مجموعه‌ای از معتقدات و اعمال و مناسک می‌باشد که محتوای آن یک سلسله عقاید عامیانه و خرافات و اوهام و همچنین شامل مقداری افکار فلسفی و عرفانی بوده که، زندگی معنوی قوم و ملت چین بر روی آن‌ها استوار و پایدار است (رضایی، ۳۹/۳؛ ناس، ۳۴۲).

دائوئیسم، اصطلاحی غربی با معنایی مبهم می‌باشد که معادل دو اصطلاح چینی، دائو جیا^۲ و دائو جیائو^۳ است. دائو جیا (مکتب طریقت) بر فلسفه و دائو جیائو (مذهب طریقت) بر دین دلالت می‌کند. تعلیمات دائوئیسم در مقام فلسفه و تعلیمات دائوئیسم در مقام دین نه تنها متفاوت، بلکه حتی متضاد هستند. در مقام فلسفه، این مکتب عقیده‌ی پیروی از طبیعت را تعلیم می‌دهد، طبق تعالیم دائوئی، آمدن مرگ به دنبال زندگی، سیر طبیعی است و انسان باید با آرامش، این سیر طبیعی را بپذیرد. در مقام دین، عقیده‌ی عمل علیه طبیعت را موعظه می‌کند و تعالیم اساسی آن احتزاز از مرگ است که آشکارا به منزله‌ی عمل برخلاف طبیعت می‌باشد (رادا کریشنان، ۵۸۱؛ اسمارت و ...، ۵۰).

در جهت تبیین بهتر و روشن‌تر واژه‌های دائو جیا و دائو جیائو، مبانی و وجوه افتراق و اشتراک ساختار ماهیتی آن‌ها به قرار زیر تشریح می‌گردد: Dao jiao

دائو جیا در طول قرن‌ها اشاره به دو کتاب دائو دِ جینگ و چوانگ تزو داشته که تا قرن دوم میلادی تأسیس نشده بود. در حالی که، دائو جیائو بر دین بالغ دائو دلالت می‌کند که غالب محققان شروع بلوغش را از قرن دوم میلادی می‌دانند (Lan..., 15؛ آدلر، ۵۶).

در حین تمایزات وجوه مشترک فراوانی نیز میان آن‌هاست. هر دو بر حفظ هماهنگی بین آسمان و زمین و انسان تأکید دارند. هر دو از نوع تفکری موسوم به اندام‌گرایی پیروی می‌کنند که امور را

¹ Han

² Dao jia

³ Dao jiao

بر حسب روابط کارکردی آن‌ها با کل بزرگ تری تعریف می‌کند. هر دو در دوره ی "دول متنازع"^۱ به عنوان راه‌هایی برای پایان دادن به هرج و مرج سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور مطرح شدند (همان، ۵۶ - ۵۷).

دائو جیا و دائو جیاثو، عالم ظاهر را بی ارزش دانسته و بیش تر به جنبه ی راز ورزانه ی طبیعت بشر توجه داشتند (جرالد، ۲۹۸).

با توجه به مطالب فوق، چنین به دست می‌آید که مکتب دائوئیسم و تفکرات و عقاید ناشی از آن، به مرور زمان و توسط برخی از برجسته ترین و بزرگ ترین عرفا و فیلسوفان چینی شکل تکوینی به خود گرفته است. مطالب زیر، مؤید این واقعیت است:

از زمان سلسله ی هان بود که جامعه شناسان غربی و دانشمندان چینی، بین فلسفه ی دائویی و مذهب دائویی فرق گذاشتند. این نظریه، متکی بر این اندیشه بود که آیین دائوی باستان بر خرافه های نودائویی بعدی که تعبیر غلطی از تصویرپردازی های استعاره‌ای عارفان بوده، تقدم داشته است (مینک و ...، ۶۶ - ۶۷).

مکتب دائوئیسم تکاملش را تقریباً همزمان با مکتب کنفوسیوس آغاز کرد. اما، به شرحی که خواهد آمد، آیین دائو نه از لحاظ عرفانی و فلسفی و نه از منظر مذهبی، هیچ تشابهی با مکتب کنفوسیوس نداشت و حتی مؤلفه های فلسفی آن را نیز از وجوه مختلف زندگی مردم زدود و باعث گردید عقاید و بینش های معنوی کنفوسیوسی به شدت رو به افول نهد:

دائوئیسم، به عنوان یک مکتب، آغازش در پایان دودمان هان بوده و افرادی هستند که به این شکل رایج دائوئیسم، دائوئیسم جدید نام نهادند. مکتب درسی کهن، آیین کنفوسیوسی را از عناصر پاک کرد و بعدها دائوئیسم جدید با دائوئیسم برای ایجاد نوعی التقاط جدید در هم ادغام شدند و آیین دائوئیستی را پدید آوردند. به این طریق، در حالی که مقام کنفوسیوس از حالت الوهیت به مقام یک معلم تنزل یافت، لائو تزو بنیانگذار دینی شد که با تقلید از آیین بودا، معبدهایی برپا کرد، کاهنانی پرورش داد، و مراسمی برای دعا و نیایش ابداع کرد. بدین ترتیب دینی شکل گرفت که در برابر فلسفه ی دائوئیسم اولیه، تقریباً به کلی غیر قابل شناسایی بود، به همین دلیل به عنوان دین دائوئیستی شناخته شده است (Poceski, 89).

^۱ - از آغاز سده ی هشتم پیش از میلاد، امپراتوری جو رو به زوال رفت و سلطه ی بلامنازعش را از دست داد و هریک از خانواده های اشراف، در تلاش برای ایجاد یک امپراتوری جدید درگیر جنگ با قدرت مرکزی شده، از سویی به رقابت با سایر حاکمان پرداختند. در گذر زمان، استان های بزرگ استان های کوچک را نابود کردند و در ۳۰۰ پیش از میلاد، هفت استان باقی ماند. آخرین دوره از این دوران را دوره ی دول متنازع نامیدند (چیه چونگ، ۱۱).